

استغفر الله



هر ایرانی یک سنجوکار





آروی خیریه

فصلنامه اختصاصی مطالعات و مدیریت امرخیر
و ایسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء
شماره دوم / پاییز ۱۳۹۷ / ۱۲۰ صفحه / ۱۰۰۰ نسخه

صاحب امتیاز: محمد صالح طیب‌نیا
مدیرمسئول و سردبیر: علی ملانوری
جانشین سردبیر: سیدحسین سیدی
مدیر اجرایی: پریسا علی‌ویردی
طراح گرافیک: صادق جمالی
طراح نام‌واره: حامد مغفوری

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):
مجتبی اصغری، مهدی تمیزی‌فر، نیلوفر حیدری،
مهدی حاجی‌رستم‌لو، حسین حسن‌زاده سروستانی،
حسین جودت، فرید رضا زاده، آرزو رضایی مجاز،
محمد طاهانژاد، میلاد مرادی، مهدی مرتضوی،
حسین محمدی دوست، منیژه یونسی کفشگیری،
احمد یوسفی، فاطمه یوسفی

تهران، ابتدای بزرگراه جلال آل احمد، بعد از پل نصر
(گیشا)، شماره ۱۳۹ / تماس با ما: ۰۲۱۸۶۰۱۵۳۳۶

برای اشتراك فصلنامه به سایت بنیاد خیریه راهبری
آلاء ala.org.ir / سامانه خیرمندانگار مراجعه فرمایید



سرمقاله / مجمع نیکان	۴
پرونده / چالش‌های نیکوکاری در ایران امروز	۸
قوانین مالیات مربوط به مؤسسات خیریه (بخش دوم)	۶۱
تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب برای جذب مشارکت‌های خیرین	۶۸
نشست‌های تخصصی خیر ماندگار / خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد چه تفاوتی دارند؟ / ایثار خداداد	۷۸
ظرفیت‌های مؤسسات خیریه و سمن‌ها برای مقابله با تحریم‌ها / گزارش	۸۸
درك هدف و انگیزه داوطلبان / گفت‌وگو با لیسا هالند	۹۷
پشتیبانی از داوطلبان بخش اجرایی / گفت‌وگو با سارا یانگ	۱۰۰
معرفی کتاب / آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشورها، نظام‌سازی خیر	۱۰۲
خیر مغفول در بی‌انضباطی ماده ۱۷ / گزارش	۱۰۴
نهال توسعه در دل سیستان و بلوچستان / گفت‌وگو با محمد حسین برکوک، مسئول گروه جهادی السابقون	۱۱۲
آسیب‌شناسی نظام خیریه در ایران و ارائه راهبردهای ساختاری	۸
● نهاد حکمران؛ سیاست‌گذار یا تصدی‌گر؟	۱۸
گفت‌وگو با محمد مهدی جعفری، عضو شورای پژوهشی پژوهشکده سیاست‌گذاری و تحلیل راهبردی آیندگان	
● دست‌اندازه‌های حوزه وقف	۲۶
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید احمد سجادی، مشاور پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه	
● بنسند ۱۰	۳۴
گفت‌وگو با سید محمد هادی ایازی، معاون وزیر بهداشت در امور مشارکت‌های اجتماعی	
● چالش‌های حقوقی خیریه‌ها و سمن‌ها	۴۰
گفت‌وگو با سهیل معینی و محرم یوسفی سادات	
● طرحی نو در مدیریت امر خیر	۴۶
گفت‌وگو با دکتر نعمت‌الله موسی‌پور، دبیر علمی همایش ملی خیر ماندگار	
● معرفی همایش و جشنواره ملی خیر ماندگار	۵۶

مجمع نیکان

علی ملانوری



شماره دوم / تابستان ۱۳۹۷

۳۳۵



فعالیت‌های نیکوکارانه عنصر مشترک افراد بشر با هر دین، مذهب و نژاد است که مهم‌ترین عامل همدلی و یکپارگی آن‌ها در دنیای فردگرایانه امروز است. در ایران نیز فرهنگ نیکوکاری از جایگاه والایی برخوردار است. از نشانه‌های بارز فرهنگ عمومی ایرانیان می‌توان به فرهنگ دگردوستی، مهمان‌نوازی، همسایه‌دوستی، دستگیری و فتوت اشاره کرد. علاوه بر فرهنگ، از نگاه ساختاری و سازمانی نیز، وقف به‌عنوان سنتی کهن و جهانی، ماندگارترین مدل مشارکت مردمی در فعالیت‌های خیرخواهانه است. این ساختار چنان از اهمیت برخوردار بوده که متفکران، وقف را یکی از ارکان اصلی پیشرفت علمی در دوران درخشان تمدن اسلامی معرفی می‌کنند. امروزه نیز با شکل‌گیری سازمان‌های نوین، فعالیت‌های خیریه شکلی جدید به خود گرفته و از حرکت‌های انفرادی به سوی نهادی شدن سوق پیدا کرده است.

این تغییر رویه البته چالش‌هایی نیز دارد که در سطح کلان و خرد اثرگذار است. شاید بتوان بعضی از چالش‌های فعالیت‌های خیریه را در فهرست زیر دسته‌بندی کرد:

۱. نبود مدل جامع مدیریتی بی‌تردید مهم‌ترین چالش است. تجربه‌های متفاوتی از نحوه مدیریت خیریه یا به عبارت دقیق‌تر بخش سوم در دنیا وجود دارد. متأسفانه در کشور ما ساختاری منسجم برای آن وجود ندارد. شاید لازم باشد برای این مهم، الگویی اختصاصی و بومی، طراحی و اجرا شود. منظور از مدل در اینجا مدیریت در هر حال نیست؛ بلکه منظور برنامه‌ای جامع برای مدیریت امر خیر و نیکوکاری در کشور است.



۲. موازی‌کاری در صدور مجوز برای مؤسسات خیریه و نیکوکاری و به تبع آن نبود امکان نظارت دقیق و علمی بر آن‌ها چالش مهم دیگری است. بارها این سخن تکراری شنیده می‌شود که برای تأسیس موسسه‌ای خیریه می‌توانید به سازمان‌های مختلف مراجعه کنید. سازمان‌های دولتی متعددی به موازات هم در این حیطه فعال‌اند و هر کدام سازوکار خاص خود را دارند که همه این‌ها منجر به سردرگمی فعالان امر خیر و تعطل در انجام وظیفه اصلی‌شان می‌شود.

۳. نبود اطلاعات دقیق از حوزه امر خیر چالش جدی دیگر است. نه تنها تعداد دقیق مؤسسات خیریه فعال مشخص نیست؛ بلکه اطلاع دقیق از گردش مالی عرصه خیر یا حتی فهرستی از گروه‌های داوطلبانه فعال یا گزارشی دقیق از نیروی انسانی شاغل در بخش نیکوکاری وجود ندارد. از آنجا که مهم‌ترین عنصر برنامه‌ریزی اطلاعات است، نبود اطلاعات دقیق، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه را دچار مشکلاتی دوچندان کرده است.

۴. بخش مهمی از چالش‌های امر خیر در عرصه فرهنگ نهفته است. فرهنگ‌سازی در زمینه گرایش عمومی به امور خیر، مستلزم داشتن برنامه در نهادهای آموزش عمومی و دستگاه‌های فرهنگی است. با توجه به زمینه نوع دوستی در فرهنگ ایرانیان می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح خصلت نیکوکاری و کار داوطلبانه را به عنصری پایدار از فرهنگ عمومی تبدیل کرد. اگرچه تحلیل این موضوع مستلزم پژوهش و بررسی دقیق است، به نظر می‌رسد دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی در انتقال آموزه‌های خیرمندانه به کودکان و نوجوانان چندان موفق نیستند.

پرداختن به این چالش‌ها و مشکلاتی از این دست مهم است؛ زیرا بدون برون‌رفت از آن‌ها توسعه نیکوکاری در ایران امکان‌پذیر نیست. میزان رشد و اعتلای امر خیر چه در توسعه مفهومی و عینی مصادیق آن و چه در افزایش بهره‌وری موقوفات و عملکرد مؤسسات خیریه مستلزم پژوهیدن در این خصوص است. این بررسی بی‌تردید کاوشی مستمر خواهد بود؛ زیرا تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

«همایش ملی خیرمندانگار»
که تمرکز دومین دوره آن بر
چالش‌های نیکوکاری در ایران
در روشن کردن برخی از ابهامات
در فضای برنامه‌ریزی و مدیریت
امور خیریه در ایران سهمیم باشد.

و فرهنگی در حل یا افزایش چالش‌های موجود یا آفرینش مشکلات جدید مؤثرند. تاکنون حداقل به شکل جامع و علمی به چالش‌های اخیر در ایران پرداخته نشده است. یکی از مهم‌ترین دلایل آن نبود مراکز و مؤسسات دارای قابلیت، برای بررسی محققانه موضوع است. تلاش‌های گاه‌به‌گاه برخی از محققان و پژوهشگران ارجمند و یا برخی از نهادهای عمومی و یا دولتی مرتبط را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما تلاش‌های سامان‌یافته و مستمری برای بررسی دقیق این موضوعات و یافتن راه‌های برون‌رفت از آن را، به‌طور جدی شاهد نبوده‌ایم.

«همایش ملی خیرماندگار» که تمرکز دومین دوره آن بر چالش‌های نیکوکاری در ایران امروز است، می‌تواند به سهم خود در روشن کردن برخی از ابهامات در فضای برنامه‌ریزی و مدیریت امور خیریه در ایران سهیم باشد. شناسایی و گرد آوردن پژوهشگرانی که پژوهیدن در حیطه امر خیر را وجهه همت خود قرار داده‌اند، به شرط استمرار این تلاش‌ها می‌تواند در بررسی عالمانه چالش‌های موجود و رفع آسیب‌های احتمالی در آینده مؤثر باشد.

از ویژگی‌های این همایش گرد آمدن اصحاب اندیشه و علم در کنار فعالان و مدیران حوزه امر خیر است. حاصل تلاش‌های علمی که در بخش‌های مختلف همایش ارائه می‌شود، می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مدیران این حوزه سرمایه‌ای ذی‌قیمت باشد. از سوی دیگر ایده‌های نو و تجربه‌های اندوخته از سوی خیرین و فعالان این امر می‌توانند به الگوهای موفق از توسعه امر خیر در کشور تبدیل شوند.

رسیدن به همگرایی بی‌نقص از فعالان غیردولتی شاغل در حوزه‌های نیکوکاری و دستگاه‌های دولتی و ناظر کار آسانی نیست. اما امیدهای به وجود آمده در سال‌های اخیر در شبکه‌سازی فعالان بخش سوم و اشتراک مساعی برخی از نهادها و سازمان‌های دولتی با ایشان شوق‌انگیز است.

«همایش ملی خیر ماندگار» یکی از این تجربه‌هاست. امید است این هم‌افزایی و همراهی به افزایش سرعت تولید دانش بومی در حوزه نیکوکاری بدل شود و با شناسایی دقیق آسیب‌ها و چالش‌های موجود به یافتن راه‌هایی برای برون‌رفت از آن‌ها منجر شود.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی آسیب‌های نظام خیریه در ایران بود. در ابتدا به منظور واکاوی آسیب‌ها از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها و اسناد استفاده شد. این پژوهش از لحاظ مکانی پیمایشی و کتابخانه‌ای و از لحاظ هدف کاربردی بود. در این پژوهش از ابزار مصاحبه و پرسشنامه به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. سپس پرسشنامه مستخرج از تحلیل محتوای کیفی بین ۲۰ خیره حوزه خیریه توزیع و به منظور مشخص شدن شکاف و اولویت‌بندی آسیب‌ها از ماتریس تحلیل اهمیت - عملکرد استفاده شد. پس از انجام تحلیل، آسیب‌ها در ۴ ناحیه ماتریس اهمیت- عملکرد قرار گرفتند تا راهبرد مناسب هر آسیب با توجه به میزان اهمیت هر آسیب و عملکرد در قبال آن آسیب مشخص شود. این پژوهش پس از انجام تحلیل محتوای کیفی ۲۷ آسیب را در نظام خیریه‌های ایران واکاوی کرد. پس از انجام تحلیل بر اساس روش ماتریس اهمیت- عملکرد، آسیب «فقدان پایگاه اطلاعاتی جامع» بیشترین شکاف بین عملکرد و اهمیت آسیب را داشت.

دکتر مهدی مرتضوی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
حسین محمدی دوست
کارشناسی ارشد مدیریت دولتی
دانشگاه تربیت مدرس

آسیب‌شناسی نظام خیریه در ایران و ارائه راهبردهای ساختاری



مقدمه

خیریه‌ها با اهداف متفاوتی کار می‌کنند. (Lindman, ۲۰۰۹). با توسعه مشارکت مردم در مسائل اجتماعی و افزایش تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد، لزوم ایجاد سازوکارهای حمایتی و همچنین نظارتی برای سروسامان دادن به این نهادها اهمیت ویژه‌ای یافته است. از این رو، بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند با ایجاد قوانین مختلف علاوه بر توسعه این نهادهای مردمی، بتوانند آن‌ها را جهت‌دهی و نظارت کنند (اعیانی و کاظم‌زاده، ۱۳۹۴). جهانی شدن^۱ و تغییر و تحولات محیطی پاسخگویی سریع سازمان‌ها به شهروندان را می‌طلبد. آسیب‌شناسی به مدیران سازمانی کمک می‌کند تا از واکنش‌های مخاطره‌آمیز^۲، اجتناب از تغییر و عملیات نادرست^۳ جلوگیری کنند. همچنین آسیب‌شناسی به منظور پاسخگویی سریع به محیط آشفته^۴، امروزی ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند از طریق فنون علوم سیاسی^۵، حقوق، مالی و روندهای جدید الگوهای سازمانی، به حل مشکلات سازمان‌ها کمک کند (Popovici, ۲۰۰۶: ۱۵۳). آسیب‌شناسی سازمان در زمینه تغییر و تحول سازمانی اهمیت زیادی دارد و بایستی بتواند به سؤالات «علل تغییر چیست» و «چرا سازمان باید تغییر کند؟»، «فرآیند تغییر چگونه است؟» و «محتوای تغییر چیست» پاسخ دهد (Pettigrew & et al, ۱۹۸۸: ۲۹۷). مهم‌ترین خصوصیات جوامع توسعه‌یافته، رشد اقتصادی مداوم، کاهش فقر و نابرابری و حذف فقر مطلق است. مؤسسات خیریه، نهادهایی هستند که به کمک آن می‌توان به توسعه اقتصادی کمک کرد و از پتانسیل بالای آن‌ها برای توزیع برابر ثروت و افزایش عدالت استفاده کرد. هرچند در خصوص آسیب‌های نظام خیریه پژوهش‌هایی همچون فرجی‌ها و اصغری (۱۳۹۰)، نکویی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) یاوری و مرتب (۱۳۹۵) و پویافر (۱۳۹۵) صورت گرفته است؛ ولی هیچ پژوهشی کلان‌نگرانه به حوزه آسیب‌های نظام خیریه در ایران نپرداخته است. لذا هدف اصلی این پژوهش واکاوی آسیب‌های نظام خیریه در ایران است.

سؤال اصلی پژوهش

آسیب‌های نظام خیریه‌ها در ایران چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است چراکه به دنبال ارائه راه‌حلی برای آسیب‌های نظام خیریه‌ها در ایران است. در این پژوهش به منظور واکاوی آسیب‌ها از

1. Globalization
2. Risky reactions
3. Improper operation
4. Turbulent
5. Techniques
6. Trends





تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. پژوهش از لحاظ مکانی پیمایشی و کتابخانه‌ای بود و از ابزار مصاحبه و پرسشنامه به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. همچنین به منظور اولویت بندی آسیب‌ها از ماتریس تحلیل اهمیت - عملکرد استفاده شد. ماتریس تحلیل اهمیت عملکرد در ابتدا به منظور سنجش رضایتمندی ارباب رجوع استفاده شد که دارای دو جزء اهمیت محصول یا خدمات ارائه شده و عملکرد موسسه مربوط در ارائه خدمت یا کالای ارائه شده بود. این ماتریس دارای دو محور است که در محور عمودی (Y) اهمیت و در محور افقی (X) عملکرد است که در شکل ذیل نمایش داده شده است (Martilla & James ۱۹۷۷:۷۷).

در ناحیه ۱) اهمیت آسیب بسیار بالا ولی عملکرد در قبال آن ضعیف است، لذا موارد این بخش آسیب پذیرند و باید در اولویت بهبود قرار گیرند.

در ناحیه ۲) اهمیت آسیب بسیار بالا و عملکرد در جهت رفع آن مناسب بوده است؛ بنابراین موارد این بخش به عنوان مزایای رقابتی، نگهداری مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند.

در ناحیه ۳) اهمیت آسیب کم و عملکرد سازمان در این حوزه ضعیف است، لذا موارد این بخش نیازمند هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری اضافی نیستند.

و ناحیه ۴) منطقه‌ای است که در آن اهمیت آسیب و معضلات کم ولی عملکرد در جهت بهبود و توسعه آن‌ها بسیار قوی است، لذا موارد این بخش موجب اسراف در منابع می‌شوند و باید به‌گونه‌ای حذف شوند یا از آن‌ها بهره‌برداری مناسب به عمل آید (همان).

ماتریس I-PA	
<p>ناحیه ۲</p> <p>اهمیت کم عملکرد بالا تمرکز برای بهبود</p>	<p>ناحیه ۱</p> <p>اهمیت زیاد عملکرد بالا نگهداری مزایای رقابتی</p>
<p>ناحیه ۳</p> <p>اهمیت کم عملکرد پایین اولویت پایین</p>	<p>ناحیه ۴</p> <p>اهمیت زیاد عملکرد بالا اتلاف منابع</p>

عمد

مهم‌ترین خصوصیات
جوامع توسعه یافته،
رشد اقتصادی مداوم، کاهش فقر
و نابرابری و حذف فقر
است. مؤسسات خیریه، نهادهایی
هستند که به توسعه اقتصادی
کمک کرده و در توزیع برابر ثروت و
افزایش عدالت نقش دارند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات حاصل شده از ماتریس فوق نتایج زیر احصاء شده است:

ناحیه (۱) اولویت‌های اساسی

اهمیت آسیب‌های جای‌گرفته در این ناحیه از میانگین اهمیت‌ها بیشتر و میزان عملکرد خیریه‌ها، دولت و دیگر نهادهای مؤثر بر نظام خیریه‌ها در قبال این آسیب‌ها از میانگین آن‌ها کمتر است. بر اساس طبقه‌بندی فوق چنین استنباط می‌شود که آسیب‌هایی که در ناحیه اول این ماتریس قرار دارند، برای مجریان و تصمیم‌سازان بسیار اهمیت دارند؛ زیرا علی‌رغم اهمیت فراوان، عملکرد سازمان در آن حوزه‌ها بسیار ضعیف است. از آنجا که تاکنون تلاش اثربخشی جهت رفع این معضلات به عمل نیامده است، بیش از پیش به تلاش مسئولین امر نیاز است. در نتیجه آسیب‌هایی که در این ناحیه حضور دارند، موانع کلیدی مؤثر بر ناکارآمدی نظام کاری خیریه‌ها محسوب می‌شوند.

رتبه آسیب	کد	متغیر
۱	ST۳	نبود سازمان دهی مناسب اطلاعات واحد، به طوری که تمام کسانی را که تحت پوشش سازمان‌های خیریه‌ای هستند، شامل نمی‌شود و در نتیجه برخی از چند منبع کمک دریافت می‌کنند و برخی از هیچ منبعی نمی‌توانند کمک دریافت کنند.
۲	ST۱	نبود نظارت کافی بر خیریه‌ها منجر به سوء استفاده و فساد در خیریه‌ها می‌شود.
۳	P۲	برخی از مواد قانونی فصل ۳ قانون اساسی مبنی بر حقوق فردی و اجتماعی به خوبی انجام نمی‌شود.
۴	ST۴	نبود اتحادیه و سازمانی که بتواند وحدت بیشتر در بین خیریه‌ها ایجاد کند.
۵	P۳	حضور نامزدها در خیریه‌ها به منظور اینکه بتوانند برای خود وجهه‌ای اجتماعی ایجاد کنند مشکل ساز است.
۶	C۸	فردگرایی در خیریه‌ها وجود دارد، در حالی که این نگاه باید به شخصیتی که در قالب گروه تحت شبکه شکل می‌گیرد متمرکز باشد.
۷	P۱	سیاسی تلقی کردن کارهای اجتماعی سمن‌ها و اینکه منجر به کاهش امنیت جامعه می‌شوند.
۸	M۴	شاخصی در زمینه کارایی و هزینه‌بالاسری مؤسسات خیریه وجود ندارد و به شاخص‌های جهانی در این زمینه توجه نمی‌شود.
۹	C۶	جامعه ایران از لحاظ فرهنگی پدر مآبانه بوده و در چنین جامعه‌ای ارتباطات از بالا به پایین است و ارتباطات افقی راه‌سختی برمی‌تابد و این شکل ناهماهنگی را دامن می‌زند.
۱۰	C۷	واحد‌های دولتی به خیریه‌ها، در خصوص دور زدن قانون مالیاتی، نگاه منفی دارند.
۱۱	ST۷	نبود رسانه مناسب بین مردم و مؤسسات خیریه باعث شده است که بستر مناسبی برای این ارتباط دوطرفه وجود نداشته باشد.

ناحیه ۲) حفظ استراتژی فعلی

در موارد زیر هم اهمیت آسیب‌ها از میانگین اهمیت‌ها بیشتر و هم عملکرد سازمان از میانگین عملکردها بیشتر است.

عملکرد سازمان در رابطه با رفع موانع و معضلات جاگرفته در این ناحیه ماتریس در قیاس با آسیب‌های نواحی دیگر بهتر است. لذا سازمان باید روند بهبود و توسعه را در این موارد به سیاق گذشته ادامه دهد. اهمیت این موانع به قدری زیاد است که هرآن غفلت از پایش و بهبود آن‌ها منجر به تأثیرات مخرب شدیدی در عملکرد سازمان خواهد شد. اما از آنجا که اقدامات درباره رفع موانع فوق کمتر از انتظار است، تقویت و تسریع عملیات توسعه‌ای در این موضوعات، اولویت دوم آسیب‌ها و موانع موجود است.

جدول ۲: آسیب‌ها و موانع ناحیه ۲) ماتریس اهمیت - عملکرد

رتبه آسیب	کد	متغیر
۱	C۵	تفکیک نگاه خیر قدسی و خیر عرفی که منجر به محدود شدن محدوده فعالیت مساجد به عنوان پایگاه خیریه‌ها می‌شود و تطابقی با خیریه‌های نوین ندارد.
۲	E۴	تأمین مالی خیریه‌ها به صورت سنتی انجام می‌شود و پیشرفت چشمگیر در استفاده از روش‌های نوین دیده نمی‌شود.
۳	P۴	سیاست‌های دولتی واحد و مدرن در این زمینه وجود ندارد و تنها دولت به خیریه‌ها مجوز می‌دهد.
۴	C۴	متکی بودن مؤسسات خیریه به کمک دولت و اینکه انتظار دارند دولت مشکلاتشان را حل کند.
۵	C۳	نگاه تک‌ریمی در کمک‌های خیریه وجود ندارد و به جای آن نگاه ترحمی وجود دارد. همچنین سیاست‌های خودکفایی اقتصادی برای کمک گیرندگان کم‌رنگ است.
۶	T۲	مؤسسات خیریه به یکدیگری اعتماد هستند.
۷	M۱	علم وارداتی برای مدیریت خیریه‌ها و اینکه ما خود در زمینه خیریه‌ها تولید علمی کمی داشته‌ایم.
۸	ST۵	سیستم مناسبی برای ثبت خیریه‌ها وجود ندارد و قسمت زیادی از فرآیندها به صورت سنتی و فیزیکی صورت می‌پذیرد.
۹	E۱	ارتباطات اعضای مؤسسات و یا قرض‌الحسنه‌ها هنوز بعضاً به طور سنتی (تلفن یا حضوری) انجام می‌شود.

ناحیه ۳) اولویت پایین

از دیدگاه متصدیان، خبرگان و کارشناسان اجرایی، موانع زیراهمیتی کمتر از میانگین اهمیت‌ها و همچنین عملکردی کمتر از میانگینشان دارند. ناحیه سوم که ناحیه کم‌اثر و بی‌خاصیت نیز نامیده می‌شود، شامل آن گروه از آسیب‌ها و موانعی است که در مقایسه با دیگر آسیب‌های شناسایی شده سهم تقریباً کمتری در بهبود کارایی و اثربخشی نظام مدیریتی خیریه‌ها دارند. این مهم، عملکرد ضعیف سازمان در ارتباط با آن‌ها (البته از دیدگاه نخبگان پژوهش) را توجیه کرده و ضرورت ارائه راهکارهای توسعه‌ای را در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهد.

جدول ۳: آسیب‌ها و موانع ناحیه (۳) ماتریس اهمیت- عملکرد

رتبه آسیب	کد	متغیر
۱	M۳	نبود مراکز پژوهش و توسعه در زمینه خیریه‌ها یا محدود بودن آن که منجر به هدر رفت منابع می‌شود.
۲	M۵	خیریه‌ها به صورت سنتی نه علمی مدیریت می‌شوند.
۳	L۵	بروکراسی شدید و قوانین زیاد مانع حضور مراکز علمی در حوزه امور خیراست.
۴	T۳	نبود تعریف صحیح از فعالیت‌های سیاسی که منجر به محدود کردن فعالیت خیریه‌ها در زمینه‌های فرهنگی آموزشی می‌شود.
۵	M۲	نداشتن برنامه صحیح برای جذب منابع و نبود برنامه‌ریزی مناسب و مؤثر باعث اتلاف منابع می‌شود.

ناحیه ۴) اتلاف منابع

آسیب‌های زیر، از منظر اهمیت، مقادیری کمتر از میانگین اهمیت‌ها دارند؛ ولی عملکرد خیریه‌ها، دولت و دیگر نهادهای مؤثر بر نظام خیریه‌ها در برابر آن‌ها از میانگینشان بیشتر است.

نهایتاً در ناحیه چهارم، آسیب‌هایی حضور دارند که بر اساس تحلیل اهمیت-عملکرد بیش از آنچه نیاز است بدان‌ها پرداخته شده است. به عبارت دیگر سازمان بیش از

اهمیت این معضلات برای آن‌ها هزینه کرده است، در حالی که می‌توانست با ذخیره منابع تلف شده در این بخش، بهبود بیشتری را از طریق سرمایه‌گذاری در ناحیه اول حاصل کند.

جدول ۴: آسیب‌ها و موانع ناحیه (۴) ماتریس اهمیت- عملکرد

رتبه آسیب	کد	متغیر
۱	L1	سازمان مشخص و واحدی برای صدور مجوز تأسیس نهادهای خیریه وجود ندارد.
۲	L4	تناقض در قوانین در خصوص سازمان‌های حج و زیارت و اوقاف در برخی ماده‌ها و اینکه قوانین به گونه‌ای است که فعالیت‌های مالی‌شان را مبهم ساخته است.
۳	E2	استفاده از فناوری IT برای فرآیندهای مالی به حد لازم و بلوغ کامل نرسیده است.
۴	T1	نبود اطلاعات کافی باعث شده شکل‌گیری مؤسسات بر اساس نیازهای موجود در جامعه نباشد و این امر منجر به شکل‌گیری مؤسسات خیریه به صورت سلیقه‌ای شده است.
۵	T4	ناآگاهی برخی شهروندان نسبت به فعالیت متقلبانه برخی خیریه‌ها منجر به پیگیری و اصلاح آن‌ها نشده است.
۶	E3	استفاده از اینترنت برای ارتباط با نیازمندان دشوار است.
۷	ST6	تناقض بین اهداف و ساختار فعلیتی که بعضاً به ایجاد حس دل‌سردی و کم شدن اعتماد خیرین و مردم منجر شده است.
۸	C2	شیوه برخورد با مردم در برخی خیریه‌ها بعضاً نامناسب است.
۹	L3	دسته‌بندی واحد و شفاف از مؤسسات جهت ارائه مجوز وجود ندارد.
۱۰	C1	در ارائه خدمات خیریه تک‌مرحله‌ای برای مددجویان وجود ندارد.
۱۱	L2	خیریه‌های ثبت‌نشده که دارای فعالیت هستند، چندین برابر ثبت‌شده‌هاست.
۱۲	ST2	بین مؤسسات خیریه با یکدیگر رقابت ناسالمی هست.

در انتهای این بخش مجدداً اذعان و تأکید می‌شود که نتایج و تفاسیر ارائه شده در پاسخ به سؤال پژوهش، نسبی بوده و در مقام مقایسه با ۳۷ آسیب تحلیل شده هستند؛ لذا این شائبه که آسیب‌ها و موانع معرفی شده در نواحی سوم و چهارم بی- اهمیت و کم‌ارزش هستند از بن و ریشه نادرست است و تمامی این موارد از میان تمام آسیب‌های ساختاری موجود، اهم معضلات هستند.

نتیجه‌گیری از آسیب‌های نظام خیریه‌ها در ایران

آنچه در پژوهش صورت‌گرفته به دست آمد در مجموع ۳۷ آسیب بود که به دسته‌های ساختاری و فناورانه، فرهنگی، کارآفرینانه، مدیریتی، سیاسی، قانونی و شفافیت مربوط است، با توجه به اوزان به‌دست‌آمده از هریک از گویه‌های هر دسته و گرفتن میانگین حسابی ساده اولویت هر دسته و وزنش به شرح زیر است:

جدول ۵: اولویت‌بندی حوزه‌های آسیب‌زا

رتبه آسیب	نام و کد دسته
۱	سیاسی (P)
۲	ساختاری و فناورانه (ST)
۳	فرهنگی (C)
۴	کارآفرینانه (E)
۵	مدیریتی (M)
۶	شفافیت (T)
۷	قانونی (L)

آسیب‌های نظام خیریه‌ها در ایران اولویت‌بندی شد؛ اما این اولویت‌بندی نشانگر ضرورت رفع هر آسیب است و به زمان اشاره دارد و به معنی وانهادن آسیب‌های با اولویت پایین نیست. چراکه آسیب‌ها احصاء و اولویت‌بندی شده همان‌طور که درکل گزارش متبادر است، دارای اثر تعاملی با یکدیگر هستند و بایستی به کلیه این آسیب‌ها توجه شود. بنابراین نگاهی کلان‌نگر به منظور حل کلان مسئله نظام خیریه‌ها در ایران نیاز است. چراکه آسیب‌های موجود در نظام خیریه‌های ایران چالش‌های جدی در اثربخشی مؤسسات خیریه ایجاد کرده است. امروزه فهم نیازمندی‌های



ضروری جامعه و پاسخگویی به موقع به آن‌ها با توجه به نظام‌های ارزشی متفاوت، اولویت‌های مختلف، شناخت نیازمندان و دیگر عوامل مؤثر بر این حوزه اقدامی مشکل و پیچیده است. بنابراین نهادهای خیریه به‌عنوان سازمان‌هایی داوطلبانه به منظور کمک به دولت در حل مسائل و مشکلات جامعه بایستی زیرساختی پویا و اثربخش را به منظور انجام رسالت خویش دارا باشند. این زیرساخت‌ها می‌توانند در زمینه‌های هدایتی، حمایتی و نظارتی مؤسسات خیریه را راهبری نمایند.

اکنون در جامعه ایران مشخص نیست که شهروندان جامعه ما بیشتر به چه چیزی نیاز دارند؟ اصولاً معیار تقدم و تأخر نیازها چیست؟ اولویت‌بندی مناطق مختلف کشور در نیازمندی‌هایشان چگونه است؟ چه کسانی یا نهادهایی درصدد تأمین نیاز آن‌ها هستند؟ آیا این کمک‌ها کافی است یا بازهم باید انجام شود؟ نحوه کمک‌رسانی چگونه باید باشد؟ با نیروهای محلی چگونه می‌توان همکاری کرد؟ لذا به نظر می‌رسد به منظور رفع این آسیب‌ها ایجاد الگویی به منظور هم‌افزایی و ساماندهی نظام خیریه‌ها در ایران ضروری باشد. این الگو بایستی علاوه بر رفع آسیب‌های موجود نظام خیریه‌ها در ایران با ساختار ماهوی سازمان‌های جامعه مدنی نیز انطباق داشته باشد.

در همین راستا می‌توان چهار سناریو پیشنهاد کرد که عبارت‌اند از:

- **اتاق خیریه:** این الگو در سطح شهرستانی دارای اتاق، در سطح استانی دارای فدراسیون و در سطح ملی دارای کنفدراسیون برای ساماندهی خیریه‌ها در ایران است و از لحاظ الگو مشابه اتاق بازرگانی ایران است.
- **شبکه ملی خیریه:** این الگو دارای نهادی در سطح ملی به منظور هدایت، حمایت و نظارت خیریه‌ها در ایران است.
- **وزارت اوقاف و امور خیریه:** در این الگو دولت با تشکیل وزارت اوقاف و امور خیریه و افزایش نقش خود بر هدایت، حمایت و نظارت خیریه‌ها در ایران مأموریت ساماندهی این بخش را بر عهده می‌گیرد.
- **الگوی مشارکتی:** این الگو اشاره به نقش ترکیبی بخش عمومی و جامعه مدنی در هدایت، حمایت و نظارت شبکه خیریه‌ها در ایران دارد و از لحاظ الگو، مشابه الگوی سازمان تعاونی روستایی در ایران است.

مراجع

آسیب‌شناسی به مدیران
سازمانی کمک می‌کند تا از
واکنش‌های مخاطره‌آمیز اجتناب
و از تغییر و عملیات نادرست
جلوگیری کنند. همچنین
طریق فنون علوم سیاسی، حقوق،
مالی و روندهای جدید
الگوهای سازمانی، به حل
مشکلات سازمان‌ها کمک کند.

۱. پویافر، محمدرضا. (۱۳۹۵). «از خیر قدسی تا خیر عرفی؛ بررسی پیامدهای مرزبندی بین امور خیر در جامعه ایرانی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیرمندانگاری در ایران.
۲. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۹۳). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. انتشارات نشر اشراقی. تهران.
۳. فرجی‌ها، محمد؛ اصغری، محمد. (۱۳۹۰). کلاه‌برداری و خیانت در امانت از طریق مؤسسه‌های خیریه؛ رویکرد تطبیقی، کارآگاه، ش ۱۷.
۴. مقبلی قرایی، محمدجواد؛ جعفری‌راد، علی، مقبلی‌راد، محمدحسن. (۱۳۹۵). «بررسی فساد اداری در مؤسسات خیریه و راهکارهای مقابله با آن»، اولین همایش ملی خیرمندانگاری در ایران.
۵. نیکوکار، غلامحسین، علی‌دادی، یاسر، رایج، حمزه (۱۳۸۸). تدوین مؤلفه‌های اصلی آسیب‌شناسی سازمان ملی فرش ایران با بررسی نقش آن در صادرات فرش دستباف، نشریه مدیریت بازرگانی.
۶. یآوری، وحید؛ مرتب، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی کارآمدسازی پایش و نظارت بر خیریه‌های مبتنی بر رویکرد شفافیت، اولین همایش ملی خیرمندانگاری در ایران.

7. Goodma, E., & Loh, L. (2011). Organizational change: A critical challenge for team effectiveness. *Business Information Review*, 28(4), 242–250
8. Lindman, J.) 2009("Center for Nonprofit Management", College of Management.
9. Martilla, J., & James, J. (1977). Importance-Performance Analysis. *Journal of Marketing*, 41(1), 77-79.
10. Martins, N., & Coetzee, M. (2009). Applying the Burke-Litwin model as a diagnostic framework for assessing organizational effectiveness. *Journal of Human Resource Management*, 7(1), 144-156.
11. Mcfillen, J. M. et al. (2013). Organizational Diagnosis: An Evidence-Based Approach. *Journal of Change Management*, 13(2), 223–246.
12. Pettigrew, P., Mckee, L., & Ferlie, E. (1988). Understanding change in the NHS. *Public Administration*, 66, 297-317.
13. Popovici, V. I. (2006). Organization, organizational diagnosis, organizational performance essential elements in development of nation. *Advances in Fiscal, Political and Law Science*, 151-156.

سیاست گذاری یا تصدی گر؟ تهداد حکمران؛

گفت و گو با محمد مهدی جعفری

عضو شورای پژوهشی پژوهشگاه
سیاست گذاری و تحلیل راهبردی آیندگان

میلاذ مرادی

مهم ترین برنامه کشورهای پیشرفته
برای جذب منابع مردمی چیست،
به چند کلیدواژه رسیده ام.
مهم ترین آن ها همان بحث شفافیت
و جذب اعتماد عمومی است؛
اما عامل مهم دیگر مشارکت دادن مردم
در اداره امور کشور است.

دولت‌ها در برابر جامعه وظایفی دارند و از این رهگذار، سیاست‌هایی را در حوزه‌های مختلف تدبیر می‌کنند که مبنای عمل قرار می‌گیرد. بهبود کیفیت تصمیمات دولت در عرصه اداره کشور که مجموعاً در منظومه ملی سیاست‌گذاری کشور جمع می‌شود، یکی از اصلی‌ترین مسائل حوزه حکمرانی است. در عرصه نیکوکاری نیز، نیازمند تصمیمات صحیح هستیم که با اجرای آن‌ها سرمایه اجتماعی و در نتیجه قدرت ملی افزون شود. پژوهشکده سیاست‌گذاری و تحلیل راهبردی آیندگان، به‌عنوان اندیشکده‌ای خصوصی در وادی سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی، تلاش دارد کیفیت سیاست‌های نظام حکمرانی را ارتقاء دهد. این موسسه پژوهش‌های متعددی را در خصوص وقف و خیریه انجام داده است. گفت‌وگوی پیش رو با مهندس «محمد مهدی جعفری» از اعضای شورای پژوهشی این پژوهشکده است. با ایشان به گفت‌وگو نشستیم تا چالش‌های نیکوکاری را در سطح حاکمیت بررسی کنیم.

به نظر شما چالش‌ها و مشکلات موجود در تعامل بین نظام حکمرانی ولایه‌های مختلف سیاست‌گذاری با امور خیریه در چیست؟

اگر بخواهیم مشکلات موجود در نظام حکمرانی وقف و خیریه کشور را دسته‌بندی کنیم و به ترتیب از سطح کلان به خرد نگاه کنیم، اولین چالش مربوط به القای نقش نهاد حکمران در حوزه وقف و خیریه کشور است. وقتی کشورهای مختلف را در این زمینه بررسی می‌کنیم که ببینیم آیا نهادی مستقل در زمینه وقف و خیریه حکمرانی می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که پاسخ به این سؤال چندان مشخص نیست. چراکه برخی کشورهای موفق در این زمینه نهادی مستقل دارند و برخی کشورهای موفق دیگر اتفاقاً این نهاد مستقل را ندارند. به‌عنوان مثال کشور آلمان که اتفاقاً کشور موفق در زمینه خیریه است، نهاد مستقل حکمران در امور خیر ندارد و دستگاه‌های مختلف هرکدام وظیفه‌ای در این حیطه دارند. فعالیت‌های حکمرانی مربوط به وقف و خیریه به چهار فعالیت مشخص تقسیم می‌شود که شامل مباحث مربوط به سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و ارائه خدمات است. اولین مشکلی که در این وادی در کشور ما وجود دارد این است که حوزه وقف و خیر را به صورت جداگانه اداره می‌کنیم. حتی حوزه خیر در کشور ما به نوعی اساساً مدیریت نمی‌شود؛ یعنی متولی واحدی به ثبت و نظارت در این زمینه نمی‌پردازد. چیزی که در کشورهای موفق دیدیم آن بود که معمولاً این دو حوزه را از یکدیگر جدا نمی‌کنند، هرچند که در برخی کشورها حتی کشورهای غربی مفهوم وقف پررنگ‌تر بوده و در برخی کشورهای دیگر نیز حوزه خیر پررنگ‌تر است.

اما چالش بعدی ورود نهادهای حکمران به عرصه تصدی‌گری و اجرای نیت است. در اکثر کشورها نهادهای حکمران در این زمینه، از وادی تصدی‌گری و اجرای نیت خارج شده‌اند و به این موضوع نمی‌پردازند. مگر در کشورهایی مانند سوریه که نتوانسته‌اند به خوبی این حوزه را مدیریت کنند. کشور سوریه نیز مانند کشور ما، نهاد حکمران همزمان در حال سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تصدی‌گری است. این در حالی است که در اکثر کشورهای موفق در این زمینه از جمله آلمان، ژاپن و آمریکا چنین موضوعی را مشاهده نمی‌کنید. وقتی نهادی می‌خواهد به عنوان ناظر یا تنظیم‌گر ایفای نقش کند، باید از حوزه تصدی‌گری خارج شود. چراکه مشکلات زیادی به وجود می‌آورد. در چنین حالتی نهادهای حکمران در بسیاری از موارد با خیریه‌ها رقابت می‌کنند و به نوعی شأن حاکمیتی آن زیر سؤال می‌رود. بنابراین به نظرم اتفاقی که باید به صورت اورژانسی در نظام حکمرانی وقف و خیریه کشور بیفتد این است که سازمان‌های حکمران باید از تصدی‌گری دست بردارند.

اما چالش سوم مربوط به نوع مواجهه نهاد حکمران با سه نقشی است که باید بپذیرد؛ یعنی سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیلگری. هرچند که باید این نکته را نیز گفت در بسیاری از کشورها نهاد حکمران حتی یک یا دو نقش از این سه نقش را واگذار کرده است. همان طور که اشاره کردم یکی از این نقش‌ها تسهیلگری است که به معنای بسترسازی برای فعالیت بیشتر خیریه‌ها و موقوفات است. اکنون خیریه‌ها و موقوفات ما فعالیت‌های بهره‌وری انجام نمی‌دهند و به منابع خود بیشتر به عنوان هزینه جاری نگاه می‌کنند. مدیران خیریه‌ها و موقوفات نیز اکثراً کسانی

هستند که به صورت تخصصی به این موضوع نمی‌پردازند و

معمولاً تخصصی در این زمینه ندارند. در نظام خیریه انگلستان که بسیار نیز پیشرفته است، بخشی به نام «نگهبان خیریه» شکل گرفته است که خودشان نیز خیریه هستند. این بخش نقش تسهیلگری فعالیت‌های خیریه را بر عهده دارند؛ یعنی به نوعی به خیریه‌ها کمک می‌کنند تا به صورت تخصصی و علمی فعالیت کنند. اتفاقاً این نقشی است که سازمان اوقاف در کشور ما به خوبی می‌تواند ایفا کند. همچنین ما در بسیاری از کشورها بانک وقف یا صندوق وقف داریم که از فعالیت‌های خیریه و موقوفات پشتیبانی مالی می‌کند؛ مثلاً به خیریه‌ها وام می‌دهند تا

آموزش و پرورش و آموزش عالی ما با کمبود منابع مالی روبه‌رو هستند؛ در حالی که بسیاری از دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی دنیا از جمله دانشگاه هاروارد به شکل خیریه تأمین مالی می‌شود و بزرگ‌ترین موقوفه دانشگاهی در دنیا محسوب می‌شود.

بتوانند فعالیت‌های خود را بهتر اجرا کنند. از این رو باید گفت در کشور ما نهاد خاصی این وظیفه را بر عهده نگرفته است و این‌گونه از خیریه‌ها پشتیبانی نمی‌کند. چالش دیگر در زمینه تنظیم‌گری این حیطة است. یکی از مهم‌ترین مشکلات در این خصوص در کشور ما بحث مجوز دادن، تدوین دستورالعمل‌ها و رویه‌ها، ثبت مؤسسات خیریه، ارزیابی و رتبه‌بندی آن‌ها است. درباره موقوفه‌ها، سازمان اوقاف این کار را انجام می‌دهد؛ اما درباره خیریه‌ها مسیر مشخصی نداریم و سازمان‌های مختلفی در این زمینه دخیل هستند. اکنون تنها در بحث موقوفات است که سازمان اوقاف هم مجوز می‌دهد و هم صرفاً نظارت مالی انجام می‌دهد. جز این دو موضوع، اتفاق دیگری در خصوص تنظیم‌گری نمی‌افتد؛ مثلاً، در بحث تدوین دستورالعمل‌ها و رویه‌ها تنظیم‌گری خاصی انجام نمی‌گیرد.

برای نمونه اگر شخصی قصد داشته باشد کتابی یا مالکیت معنوی چیزی را وقف کند، هیچ نوع وقف‌نامه‌ای برای این دست از موضوعات نداریم. حتی در بحث نظارت مالی نیز مشخص نیست که موقوفات و خیریه‌های ما چگونه افزایش سرمایه می‌دهند و جلب مشارکت می‌کنند. اکنون در معابر و خیابان‌ها افرادی را مشاهده می‌کنیم که قبض خیریه خاصی را نشان می‌دهند تا کمک جمع‌آوری کنند، سؤال این است که نظارت بر صدور این قبض‌ها چگونه است؟ در کشورهای پیشرفته هر خیریه‌ای اجازه صدور قبض ندارد؛ یعنی خیریه‌ها رتبه‌بندی شده و اگر به رتبه خاصی دست پیدا کنند، آنگاه اجازه صدور قبض خواهند داشت. یا فقط برخی از خیریه‌ها بر اساس رتبه‌ای که دارند، این اجازه را دارند که در برخی رویدادها یا کمپین‌ها شرکت کنند و اجازه حضور در مجامع عمومی‌تر را ندارند. در کشور ما نظام حکمران مشخصی به این موضوعات و تنظیم‌گری آن‌ها نمی‌پردازد. همان‌طور که گفتم حتی برخی کشورها عرصه تنظیم‌گری را نیز به خود خیریه‌ها واگذار کرده‌اند. در این باره در کشور آلمان نهادی به نام «DZI» وجود دارد که چیزی شبیه همین سندیکاهای کشور خودمان است. در این نهاد نماینده‌های مختلفی از خیریه‌ها، موقوفات و از جمله از خود نهاد حکمران نیز حضور دارند. این نهاد بسیاری از وظایف تنظیم‌گری از جمله رتبه‌بندی، تدوین دستورالعمل‌ها، رویه‌ها و حتی تعریف جواز مختلف را انجام می‌دهد.

علاوه بر چالش‌هایی که عرض کردم، موضوعی که در بسیاری از کشورها، نهادهای حکمران به آن توجه اساسی دارند، شفافیت و افزایش اعتماد عمومی به این عرصه است که کلیدی‌ترین هدف است. متأسفانه در ایران به این موضوع بی‌توجه هستیم.

در واقع حالتی پیش آمده است که وظایف اصلی نهاد حکمران که همین موضوعات است، انجام نمی‌شود؛ در عوض نهاد حکمران به دنبال تصدی‌گری و موقوفه‌داری است. در بحث شفافیت، در کشورهای پیشرفته نظامی مختص به شفافیت در خیریه‌ها وجود دارد که برخی از این نظام‌ها اجباری و برخی دیگر اختیاری هستند. اکنون در کشور ما مشخص نیست که اساساً چند خیریه داریم یا چند موقوفه در زمینه‌ای مشخص فعالیت می‌کنند. بنابراین به نظرم اول باید پایگاه اطلاعاتی‌ای منسجم از خیریه‌های دارای مجوز و موقوفات مشخص داشته باشیم که در معرض عموم باشد. همچنین اطلاعات مالی خیریه‌ها از جمله اینکه از چه طریقی پول به دست آورده‌اند و کجا صرف کرده‌اند، باید شفاف باشد. در این زمینه در آمریکا نهادی به نام چریتی نوبیگیتور وجود دارد که اطلاعات مربوط به موقوفات و خیریه‌ها را به صورت آنلاین در اختیار مردم قرار می‌دهد.

به «چریتی نوبیگیتور» اشاره کردید. همان طور که مستحضرد این نهاد حاکمیتی نیست و خیریه است. این موضوع را چگونه می‌توان به وظایف حاکمیتی ارتباط داد؟ در واقع به نوعی در آن کشورها خود جامعه نیز پذیرفته است که بر فعالیت‌های خود نظارت کند.

همان طور که عرض کردم نهاد حکمرانی چهار کارکرد دارد که شامل سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیله‌گری و تصدی‌گری است. اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در زمینه وقف و خیریه نهادهای حکمران اکثراً به بحث سیاست‌گذاری می‌پردازند. حتی در بسیاری از کشورها تنظیم‌گری و تسهیله‌گری را نیز به خود خیریه‌ها واگذار کرده‌اند که مثال بارز آن همین «چریتی نوبیگیتور» است.

به نظرم هم نهاد حکمران و هم جامعه در این موضوع نقش داشته‌اند. به عنوان مثال، تصمیمات «DZI» در آلمان از طرف نهاد حکمران پذیرفته می‌شود. بنابراین از یک طرف خود حاکمیت این بستر را فراهم کرده است، از طرف دیگر، خود مردم، موقوفات و خیریه‌ها این چارچوب ذهنی را پذیرفته‌اند که باید خودشان بر کار خود نظارت کنند. بنده در زمینه اینکه مهم‌ترین برنامه کشورهای پیشرفته برای جذب منابع مردمی چیست، به چند کلیدواژه رسیده‌ام: مهم‌ترین آن‌ها همان بحث شفافیت و جذب اعتماد عمومی است؛ اما عامل مهم دیگر مشارکت دادن مردم در اداره امور کشور است. برای نمونه، در کشور ما اگر کسی بخواهد مبلغی را به خیریه کمک کند، هرچند خود آن مبلغ از مالیات معاف است؛ اما به جای مالیات حساب نخواهد



چالش دیگر ورود نهادهای حکمران به عرصه تصدی‌گری و اجرای نیت است. وقتی نهادی می‌خواهد به‌عنوان ناظر یا تنظیم‌گر ایفای نقش کند، باید از حوزه تصدی‌گری خارج شود. در چنین حالتی نهادهای حکمران در بسیاری از موارد با خیریه‌ها رقابت می‌کنند و به‌نوعی شأن حاکمیتی آن زیر سؤال می‌رود.

شد. یعنی فرد باید مالیات بقیه فعالیت‌های خود را بدهد و چیزی از آن کم نمی‌شود. در صورتی که در بسیاری از کشورها اگر فردی به‌عنوان مثال یک هزار تومان به خیریه کمک کند، علاوه بر آنکه خود این مبلغ از مالیات معاف است، آن هزار تومان جزء مالیات وی حساب می‌شود و از کل مبلغ مالیات کسر می‌شود. در واقع در چنین نظام حکمرانی، سیستم کاملاً انگیزاننده است. در چنین حالتی بحث فقرزدایی به عهده مردم خواهد بود.

در میان چهار چالشی که گفتید، به نظر شما حل کدام یک در اولویت است؟

به نظرم باید دو کار اساسی در درجه اول انجام شود. ابتدا اصلاح سیستم نظارتی در حوزه وقف و خیریه که

بسیار کلیدی است. سیستم خیریه ما سیستم اعتمادزایی نیست

و شفافیت در آن وجود ندارد. از دو طریق نظام شفافیت اجباری و اختیاری

می‌توان شفافیت ایجاد کرد. اما کار اساسی دوم که به نظرم باید انجام شود، اصلاح

سیستم نظام مالیاتی کشور در حیطه وقف و خیریه است. درست است که بحث

وقف و خیریه منبعث از اعتقادات اسلامی و انسانی است؛ اما چیزی که برای نظام

حکمرانی کشور باید مهم باشد، این است که مردم در این کار درگیر شوند. مثلاً در

همان کشور آلمان، نهاد حکمران برای فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که در اولویت

است، معافیت مالیاتی بیشتری در نظر می‌گیرد؛ یعنی عملاً به مردم در کار خیرجهت

می‌دهد. اکنون قوانین و مقررات ایران در زمینه خیریه نه تنها مشوق نیست، بلکه

بازدارنده است که نمونه بارز آن، زمان طولانی برای گرفتن مجوز و ثبت خیریه است.

اکنون چندین سال است این بحث مطرح است که باید نهادهای تنظیم‌گر وادی وقف و خیریه متمرکز شوند، به نظر شما چرا این اتفاق تا به حال نیفتاده است؟

ببینید در عمل با دو حوزه وقف و خیر مواجه هستیم. حتی برخی می‌گویند که امور

خیر در واقع به‌نوعی سکولار شده وقف است. یعنی به وقف یک سری احکام شرعی

نیز مترتب می‌شود؛ اما به امور خیر کمترین نگاه می‌شود. به نظرم در کشور خودمان

چون حوزه وقف به امور دین بیشتر مربوط است، مجبور شدیم که آن را به یک ساختار



دیگری غیر از امور خیر ببریم. اکنون نیز سازمان اوقاف هرچند زیرمجموعه وزارت ارشاد است؛ اما نماینده ولی فقیه نیز است. بنابراین به نظر می‌رسد نوعی مرزبندی در کشور ما در این خصوص ایجاد شده است.

اما خوب ما در بخش خیر نیز با چنین مشکلی روبه‌رو هستیم، این را چگونه می‌بینید؟ این مشکل به نظرم به سوءمدیریت برمی‌گردد؛ یعنی ما در گستره خیر کاملاً منفعلانه عمل کردیم. حتی در بسیاری از موارد نگاه ما به این حیطة نگاه تهدید است تا آنکه با نگاه فرصت به آن نگاه کنیم. اما در کل به نظرم قابلیت این وجود دارد که نهادی متمرکز برای تنظیم‌گری وقف و خیریه داشته باشیم؛ حتی اگر این امکان وجود نداشته باشد که بخش وقف و خیر متمرکز شوند، دست‌کم این اتفاق باید برای امور خیر رقم بخورد. اساساً در حال حاضر نهاد سیاست‌گذار در عرصه وقف و خیریه نداریم، هرچند گاهی اوقات از وزارت کشور یا سازمان اوقاف یاد می‌کنیم؛ اما واقعاً چنین نهادی نداریم که برنامه کلان امور خیریه و وقف را مشخص کند.

در بحث اولویت‌های حوزه خیر و جهت دادن به رفتار خیر مردم در راستای اولویت‌ها، به نظر شما نهاد‌های درگیر در این زمینه به چه طریقی می‌توانند این کار را انجام دهند؟
به نظرم اولین و مهم‌ترین کاری که باید در این زمینه انجام شود، اصلاح قانون و مقررات است که یکی از آن‌ها اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی است که عرض

کردم. اما کار دیگری که باید صورت گیرد، مربوط به نهادهای فرهنگی و گفتمان ساز در کشور است. ببینید اکنون آموزش و پرورش و آموزش عالی ما با کمبود منابع مالی روبه رو هستند؛ در حالی که بسیاری از دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی دنیا از جمله دانشگاه هاروارد به شکل خیریه تأمین مالی می‌شود و بزرگ‌ترین موقوفه دانشگاهی در دنیا محسوب می‌شود، به طوری که ارزش این موقوفه ۳۰ میلیارد دلار است. جالب است که بسیاری از روسای دانشگاه‌های ما در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند؛ اما اساساً به چنین موضوعی بی‌توجه هستند. حتی امروزه وقف در زمینه نظامی هم وجود دارد. در کشورهای اروپایی چنین وقفی دارند. بنابراین توجه کردن به این‌گونه اولویت‌ها نیازمند گفتمان‌سازی جدی است.

معمولاً برخی از فعالان عرصه خیر این گلایه را مطرح می‌کنند که سازمان‌های حاکمیتی معمولاً دیدگاه امنیتی به این بخش دارند. به نظر شما این دیدگاه تا چه اندازه وجود دارد و آیا به صورت کلی سمن‌ها می‌توانند مشکلات امنیتی ایجاد کنند؟

فارغ از نگاه‌های سیاسی، بنده این موضوع را وارد می‌دانم؛ یعنی چندان دور نمی‌بینم که گاهی اوقات ممکن است اهدافی پشت پرده برای تأسیس برخی خیریه‌ها و سازمان‌های مردمی وجود داشته باشد. به دو نمونه در کشورهای دیگر اشاره می‌کنم: مثلاً می‌دانیم بنیاد نوبل خود موقوفه محسوب می‌شود. تاکنون از هر یک میلیون اسرائیلی در حوزه علم و فناوری یک نفر جایزه نوبل دریافت کرده است. این در حالی است که از میان کل کشورهای مسلمان تاکنون ۴ یا ۵ نفر در این زمینه نوبل گرفته‌اند. درست است که کشورهای مسلمان مقداری در زمینه علم و فناوری ضعیف عمل کرده‌اند؛ اما خوب بسیاری از افراد مسلمان در سایر کشورها در عرصه علم و فناوری شخصیت‌های علمی بسیار مطرحی هستند. قطعاً این موضوع جای تأمل دارد. همچنین بنیادی در آمریکا به نام بنیاد کاولی^۲ وجود دارد که در حوزه علم و فناوری جایزه می‌دهد و بسیار معتبر است. جالب است که وزارت دفاع آمریکا از این بنیاد حمایت می‌کند، حوزه‌های تحقیقاتی آن‌ها یکی است و پروژه‌های آن معمولاً پروژه‌های اولویت‌دار وزارت دفاع آمریکا است. بنابراین احتمالاً نهادی پوششی است که برای وزارت دفاع آمریکا فعالیت می‌کند. چه بسا مثلاً این بنیاد یک سری انجمن‌ها را در کشور ما پیدا کند و جهت بدهد. اما راه حل این نیست که جلوی فعالیت‌های مردمی را بگیریم، بلکه بحث نظارت چه به لحاظ امنیتی و غیرامنیتی باید جدی گرفته شود.

وقف دست اندازهای حوزه

گفت و گو با حجت الاسلام سید احمد سجادی

مشاور پژوهشی
سرپرست سازمان
اوقاف و امور خیریه

میلاذ مرادی



سهیلا ملک



وقف یکی از آموزه‌های دین اسلام است که از منظر تاریخی دارای کارکردهای مثبتی در اداره و آبادانی جوامع اسلامی داشته است. به لحاظ تاریخی، بسیاری از مساجد، جاده‌ها، پل‌ها، رصدخانه‌ها و مراکز علمی و آموزشی طبق الگو و مفهوم وقف تأمین مالی شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به مدارس نظامیه، مدرسه موقوفه بنی‌سعد بخارا و مدرسه اسلامی قرطبه اشاره کرد. البته شایان ذکر است که امروزه نه‌تنها جوامع اسلامی بلکه بسیاری از کشورهای اروپایی و توسعه‌یافته نیز از مقوله وقف حداکثر استفاده را می‌کنند. به‌نحوی که بخشی از تأمین مالی برخی از دانشگاه‌ها و مراکز مهم علمی جهان از جمله دانشگاه هاروارد از طریق وقف انجام می‌گیرد. همچنین در میان کشورهای اسلامی نیز برخی کشورها از جمله کشور مالزی توانسته‌اند به نحو بهتری از نعمت وقف بهره ببرند؛ بنابراین مقوله وقف تنها مختص به ایران یا چند کشور اسلامی نیست.

در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه با حمیت و جدیت بیشتری موضوع وقف را پیگیری کرد. با این حال، کارشناسان این حوزه معتقدند که وقف در کشور ما هنوز هم با چالش‌های زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. به همین منظور برای روشن شدن چالش‌های پیش‌روی وادی وقف با حجت الاسلام سید احمد سجادی، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه گفت‌وگو کردیم.

وی در این گفت‌وگو، چهار چالش جدی حوزه وقف را «ناآشنایی خانواده وقف با قواعد مختلف در این زمینه»، «مشارکت ندادن مردم در وقف و نبود حمیت ملی در این زمینه»، «اجرا نکردن نیت واقفان در زمینه وقف» و «ناآشنایی عموم مردم با مقوله وقف» می‌داند. در ادامه، متن کامل این گفت‌وگو را بخوانید:

به‌عنوان سؤال اول اگر بخواهید مهم‌ترین چالش‌های حوزه وقف کشور را در چند مورد خلاصه کنید، از چه چالش‌هایی نام می‌برید؟ یعنی مواردی که به نظر شما اقدام اصلاحی برای حل آن‌ها ضروری است.

به نظر من اگر بخواهیم چند چالش جدی برای حوزه وقف در کشور را نام ببریم، اولین آن‌ها ناآشنایی مسئولین دست‌اندرکار با چارچوب‌ها، مسائل، وظایف سازمانی اوقاف و وظایف متولیان است. همچنین به این مورد باید ناآشنایی مسئولین وقف با مسائل فقهی و شرعی وقف را نیز اضافه کرد. این ناآشنایی که عرض کردم صرفاً مربوط به مسئولین سازمان اوقاف نیست، بلکه شامل خانواده بزرگ وقف می‌شود؛ یعنی علاوه بر مسئولین سازمان اوقاف، متولیان وقف و مستأجران را نیز شامل می‌شود. به‌عنوان مثال، همین افرادی که در خانه‌های وقفی زندگی می‌کنند تا چه اندازه با مسائل وقف آشنا هستند؟ چون اکثر این افراد با مسائل وقف آشنا نیستند،



بسیاری از اوقات از پرداخت اجاره سرپیچی می‌کنند و آن را به نوعی زرنگی خود به حساب می‌آورند. بنابراین بنده تمام اجزاء تشکیل دهنده خانواده وقف را در این زمینه مسئول می‌دانم.

دومین چالش عرصه وقف آن است که اکثراً به وقف به عنوان تشکیلاتی دولتی نگاه می‌شود. در صورتی که باید همه آحاد ملت در قبال این مقوله احساس تکلیف بکنند. به نظرم باید مسئله وقف به حمیت ملی تبدیل شود که همه مردم کشور برای آن دلسوزی کنند. اکنون شرایط به گونه‌ای است که اگر مثلاً اطلاع پیدا کنیم زمینی موقوفه در حال از بین رفتن است، معمولاً نه تنها اقدامی نمی‌کنیم، بلکه حتی ممکن است جانب فردی که وقف را حیث و میل می‌کند نیز بگیریم. بنابراین به نظرم یکی دیگر از چالش‌های مهم این حوزه نبود حمیت ملی در زمینه وقف است.

اما به نظرم چالش سوم در این زمینه این است که نیت واقفان به طور کامل و دقیق اجرا نمی‌شود. این موضوع مخصوصاً از جانب دولت مردان بسیار اتفاق می‌افتد. برای نمونه، اکنون بسیاری از املاک وقفی در دست سازمان‌ها، ادارات و مؤسسات دولتی است که در رابطه با پرداخت اجاره آن اهمال‌کارند. همین موضوع باعث می‌شود که حق و نیت واقف اجرا نشود.

به عنوان چالش آخر نیز باید بگویم که واقعیت آن است که مردم ما نیز تا حد زیادی با وقف آشنا نیستند. بنابراین چون عموم مردم با وقف آشنایی چندانی ندارند، ظلم‌هایی به وقف شده و حق وقف به خوبی در جامعه ادا نشده است. لازم است این نکته را هم اضافه کنم که مسئولین و کارمندان اوقاف نیز چندان خودشان را در خدمت وقف ندانسته‌اند. این موضوع باعث شده تا در

میان مردم نوعی بی‌اعتمادی نسبت به سازمان اوقاف و امور خیریه شکل بگیرد. هرچند که باید خدماتی را که کارمندان و مسئولین خدمتگزار این سازمان انجام داده‌اند، پاس بداریم؛ اما متأسفانه برخی اعمال ناشایست که از برخی افراد سرزده، باعث خدشه دار شدن اعتماد عمومی شده است. نکته آخر آنکه ما همانند کشورهای دیگر که کار اساسی در حیطه وقف از جمله وقف خانوادگی انجام داده‌اند، عمل نکرده‌ایم. مثلاً، در کشور ما هنوز به بسیاری از مسائل و پرسش‌های فقهی وقف پاسخ داده نشده است. از جمله می‌توان به وقف پول، وقف مشارکتی، وقف

چالش مهم در حوزه وقف
این است که نیت واقفان به طور
کامل و دقیق اجرا نمی‌شود.
این موضوع مخصوصاً از جانب
دولت مردان بسیار اتفاق می‌افتد.
اکنون بسیاری از املاک وقفی در
دست سازمان‌های دولتی است که
در پرداخت اجاره آن اهمال‌کارند.

مسکوکات، وقف حوزه دیجیتال و وقف معنوی اشاره کرد که تکلیف آن‌ها از منظر شرعی و حقوقی هنوز مشخص نشده است.

به موضوع بی‌اعتمادی مردم به حوزه وقف اشاره کردید، به نظر شما به چه طریقی می‌توان اعتماد عمومی به این حوزه را دوباره به دست آورد؟ آیا بهتر است برای جلب اعتماد عمومی، حوزه وقف به سمت شفافیت بیشتر حرکت کند؟

فکر نمی‌کنم که راه حل این چالش در شفافیت بیشتر باشد. ما همیشه فکر می‌کنیم شفافیت در جلب اعتماد عمومی اثرگذار است. در حالی که به نظرم شفافیت و اعتماد عمومی در این حوزه دو مقوله جدا هستند. به نظرم در درجه اول باید هنگامی که فردی به ادارات یا سازمان اوقاف مراجعه می‌کند، پاسخ مناسب به وی داده شود. مطلب دیگر آن است که مردم باید لمس کنند پولی که اهدا می‌کنند حیف و میل نمی‌شود. به عنوان مثال، مشاهده کنند پولی که به امام‌زاده‌ای پرداخت کرده‌اند، در همان امام‌زاده به مصرف رسیده و حیف و میل نشده است. همچنین مردم باید ببینند زمین‌ها و اموال وقفی را دولت مردان پاس نهاده‌اند. این کارها نیازمند برنامه‌ریزی تقریباً ۱۰ ساله است که بتوانیم با انجام این‌گونه کارها اعتماد عمومی را افزایش دهیم.

اما مسئله بعدی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، بحث بر سر چگونگی تبلیغات وقف و سازمان اوقاف است که متأسفانه اکنون به شکل صحیحی صورت نمی‌پذیرد. مثلاً، در اصفهان نشست روابط عمومی سازمان‌های اوقاف سراسر کشور برگزار شد. در مدت برگزاری این نشست، بنرهای سطح شهر حاکی از برگزاری نشست کارشناسان روابط عمومی سازمان‌های اوقاف سراسر کشور بود. خوب در اینجا سؤال پیش می‌آید که نقش مردم در این میان چیست؟ مسئله بعدی اینکه این‌گونه تبلیغات چه تأثیر مثبتی بر سازمان اوقاف می‌تواند بگذارد؟ غیر از آنکه ما پولی را برای انجام این تبلیغات از جیب اوقاف هزینه کرده‌ایم. یا در مثال دیگر، سال گذشته به مناسبت هفته وقف، تمام سطح شهر تهران حاکی از بنرهای تبلیغاتی درباره وقف بود که مثلاً از مردم دعوت می‌کرد واقف شوند. به نظرم با انجام این‌گونه تبلیغات کسی واقف نخواهد شد. به همین علت است که بنده احساس می‌کنم در این زمینه ما راه را اشتباه می‌رویم و دچار انحراف شده‌ایم. احساس می‌کنم با انجام این‌گونه تبلیغات، به نوعی به خدشه دار شدن سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی دامن می‌زنیم. باید بپذیریم که تبلیغ وقف با تبلیغ پفک نمکی تفاوت دارد. وقف را نمی‌توان با همان



شیوه که مثلاً کشف تبلیغ می‌شود، تبلیغ کرد. به نظرم مردم با دیدن این بنرها در سطح شهرها، نه تنها اعتماد نمی‌کنند، بلکه این شائبه در ذهن آن‌ها به وجود می‌آید که منابع وقف از این طریق حیف و میل می‌شود. اگر بخواهیم در خصوص تبلیغ وقف کاری انجام دهیم، باید این تبلیغ را در بین افراد خاص و به شکل خاص خود انجام دهیم. به عنوان مثال، افرادی که به دنبال کار خیر هستند، افراد متدین یا افرادی که از تمکن مالی برخوردار هستند، جامعه آماری مناسبی برای تبلیغ وقف هستند. نوع تبلیغ برای این‌گونه از افراد نیز متفاوت است و نباید مانند تبلیغات محصولات و کالاها باشد. بنابراین قطعاً یکی از حوزه‌هایی که نیازمند کار جدی است، حوزه چگونگی تبلیغ وقف است. به نظرم باید در این حیطه کار جدی و هم‌فکری صورت گیرد. در غیر این صورت با نصب بنر با عنوان «خیراندیش باشیم» کسی خیراندیش نخواهد شد. پیشنهاد می‌دهم بررسی شود که به عنوان مثال، سال گذشته به مناسبت هفته وقف در شهر تهران، چند نفر به واسطه بنرهای تبلیغاتی که زده شد، واقف شدند؟ آیا اساساً به اندازه‌ای که برای این تبلیغات هزینه شد، منابع وقفی نیز جذب شد؟

به این موضوع اشاره کردید که در برخی حوزه‌ها مانند وقف دیجیتال چالش فقهی وجود دارد. برطرف کردن این چالش‌ها به چه طریق خواهد بود و آیا باید صرفاً روحانیون ما برای حل آن اقدام کنند؟

وقف را نمی‌توان با همان شیوه
که مثلاً کفش تبلیغ می‌شود،
تبلیغ کرد. به نظر مردم با دیدن
این بنرها نه‌تنها اعتماد نمی‌کنند،
بلکه این شائبه در ذهن آن‌ها
به وجود می‌آید که منابع وقف از
این طریق حیفا و میل می‌شود.
«خیر اندیش باشم»
با نصب بنر با عنوان
کسی خیر اندیش نخواهد شد.

ببیند ما در تعریف وقف می‌گوییم وقف چیزی است که باید عینیت داشته باشد. غالباً آن را این‌گونه تعریف می‌کنند که عین مفهومی است که ملکیت داشته باشد. این ملکیت می‌تواند ملکیت موقت یا دائم باشد؛ اما به نظر من باید این موضوع از جنبه حقوقی و فقهی چکش کاری شود. معمولاً چون افرادی که در وادی فقه و حقوق کار کرده‌اند، چندان به مقوله‌هایی مانند دیجیتال آشنا نیستند؛ بنابراین تصور می‌کنند که فضای دیجیتال عینیت و ملکیت ندارد. اما هنگامی که بدانند؛ مثلاً در زمینه دیجیتال، سایت‌های مختلفی با هزینه‌های گزاف فروخته می‌شود، نظر آن‌ها نیز تغییر پیدا می‌کند. چراکه از طریق فروش همین سایت‌ها می‌توان درآمد کسب کرد و آن را

صرف کارهای عام‌المنفعه کرد. این طور نیست که این‌گونه مسائل جزء مسائل سخت و بغرنج فقهی باشد. باید بروی آن‌ها کار شود و راه حل پیدا شود. همچنین در موضوع وقف اصطلاحاتی داریم که در مجاز جای می‌گیرد. به طور مثال، ما فکر می‌کنیم که اگر فردی وقتش را برای کاری صرف کند، وقف است. گاهی اوقات برخی افراد بر همین اساس می‌گویند که مثلاً ما خودمان را وقف کرده‌ایم. این اصطلاح «خودمان را وقف کرده‌ایم» در واقع معنی مجازی وقف بوده و معنی حقیقی وقف نیست. بنابراین به نظر من باید بروی این‌گونه موارد کار شود و به مردم اطلاع‌رسانی شود.

در ایران به نوعی حوزه وقف و خیر از یکدیگر جدا شده‌اند؛ یعنی مسئولیت وقف به سازمان اوقاف سپرده شده و مسئولیت امور خیر به سازمان‌های دیگر سپرده شده است. به نظر شما تجمیع دو حوزه وقف و خیر می‌تواند تأثیر مثبت بگذارد؟

اتفاقاً قانون‌گذار از همان ابتدای کار این دو حوزه را تجمیع کرده بود. بنده احساس می‌کنم که کم‌کاری سازمان اوقاف باعث جدایی این دو حوزه شده است. همان طور که می‌دانید نام این سازمان در اصل سازمان اوقاف و امور خیریه است. متأسفانه طی دوره‌ای نه به کار وقف و نه به کار خیر چندان پرداخته نشد. امروز شاهد وضعیتی هستیم که سازمان اوقاف صرفاً در امور وقف، آن هم به صورت نیم‌بند و نیمه‌کاره متمرکز شده است. امور خیر در این میان اساساً رها شده است. به همین علت است امروزه مشاهده می‌کنیم که مؤسسات و سازمان‌های مختلف متولی کار خیر شده‌اند.





حتی سازمان‌هایی که گستره کاری آن‌ها به این موضوع اساساً هیچ ارتباطی ندارد، به حوزه خیریه وارد شده‌اند. بنده احساس می‌کنم که سازمان اوقاف از این منظر باید مقداری جدی‌تر در صحنه باشد. این موضوع را از این جنبه عرض می‌کنم که برخی از تصرفات در کار خیر اجاره ولی فقیه را لازم دارد و این اجازه به نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف اعطا شده است. بنابراین با توجه به چنین مواردی، باید سازمان اوقاف حضور جدی‌تر در این عرصه داشته باشد. اتفاقاً در قوانینی که برای حوزه وقف در نظر گرفته شده، ضوابط مربوط به امور خیریه نیز آمده است؛ اما خوب متأسفانه مسکوت گذاشته شده است.

برخی این انتقاد را مطرح می‌کنند که وقف در کشور ما تا حد زیادی حاکمیتی شده است. به این معنی که بیشتر نهادها و سازمان‌های دولتی در آن نقش دارند تا اینکه مردم در این عرصه نقش داشته باشند. نظر شما چیست و به چه طریق می‌توان مردم را در حوزه وقف مشارکت بدهیم؟

بله بنده هم قبول دارم و همان‌طور که ابتدا عرض کردم یکی از مشکلات وقف این است که مردم در آن به‌طور جدی مشارکت داده نمی‌شوند. به نظرم نمی‌توان تمام وظایف سازمان اوقاف را به مردم یا مؤسسات خصوصی واگذار کرد. اما اعتقاد دارم که می‌توان برخی از کارها و وظایف سازمان اوقاف را به بخش خصوصی سپرد؛ یعنی مؤسساتی که در کنار اوقاف برخی امور را انجام می‌دهند. اگر دقت کرده باشید، زمانی تمام کارهای مربوط به گذرنامه، گواهینامه رانندگی و این‌گونه مسائل را پلیس انجام می‌داد و مردم باید به اداره پلیس مراجعه می‌کردند. در این

میان پلیس این‌گونه وظایف خود را در قالب «پلیس + ۱۰» به بخش خصوصی واگذار کرد. البته بنده نمی‌گویم که به همین شیوه در حوزه وقف عمل کنیم؛ اما به نظرم می‌توانیم از آن الگو بگیریم. مثلاً، سازمان اوقاف می‌تواند موقوفه‌های اجاره‌ای را به یک سری از مؤسسات واگذار کند. همچنین می‌تواند برای احیای موقوفات و بهره‌ور کردن آنان با برخی مؤسسات همکاری کند. اکنون در بسیاری از شهرها مشاهده می‌کنیم که بسیاری از موقوفات رها شده‌اند. خوب اگر این موقوفات در دست بخش خصوصی بود، هیچ‌وقت رها نمی‌شدند.

هنوز به بسیاری از مسائل و پرسش‌های فقهی وقف پاسخ داده نشده است. هنوز تکلیف وقف پول، وقف مشارکتی، وقف مسکوکات، وقف حوزه دیجیتال و وقف معنوی از منظر شرعی و حقوقی مشخص نیست.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته رشته‌های علمی در زمینه وقف و امور خیریه وجود دارد و بر طبق اصولی علمی موقوفه‌ها یا مؤسسات خیریه را اداره می‌کنند؛ اما در کشور ما معمولاً به این حوزه‌ها نگاه علمی وجود ندارد. به نظر شما این موضوع چقدر توانسته بر عملکرد حیطة وقف و خیریه تأثیر منفی بگذارد؟

در زمینه علمی نه تنها در وقف و خیریه بلکه در اکثر زمینه‌ها دچار مشکل هستیم. یعنی افرادی که دارای تخصص در رشته‌ای خاص هستند، در همان موضوع تخصصی خود به کار گرفته نمی‌شوند. در این باره حتی وزیران ما نیز مشکل دارند و معمولاً در حوزه تخصصی خود به کار گرفته نمی‌شوند. در واقع عرض بنده این است که حتی اگر رشته تحصیلی نیز در این خصوص وجود داشته باشد، بازهم شرایطی در کشور ما وجود دارد که افراد در سر جای خود به کار گرفته نمی‌شوند. بنابراین حوزه اوقاف و سازمان اوقاف نیز همانند سایر عرصه‌ها در کشور از این مسئله رنج می‌برد. در این مورد به نظرم اگر زمانی بخواهیم رشته دانشگاهی در زمینه وقف ایجاد کنیم، ابتدا باید ببینیم که سازمان‌های درگیر این حوزه مانند سازمان اوقاف به چه تعداد نیرو نیازمند هستند. سپس به همان تعداد ظرفیت ایجاد بکنند و دانشجوی تربیت کنند. اما اینکه بیام رشته ایجاد کنیم و فارغ‌التحصیل داشته باشیم، سپس این فارغ‌التحصیل را به کار نگیریم، هیچ اثری نخواهد داشت. در آن کشورهایی که شما می‌فرمایید رشته تخصصی در حوزه وقف وجود دارد، مطمئن باشید که به‌کارگیری تخصصی نیز وجود دارد. بنابراین مشکل ما در این زمینه تنها راه‌اندازی رشته تخصصی نیست.

چالش‌های مختلفی را در حوزه وقف برشمردید. سایر کشورها، از جمله کشورهای اسلامی چگونه با این چالش‌های برخورد کرده‌اند و وضعیت این کشورها از این نظر نسبت به ایران چگونه است؟

بنده مقالات و منابع مختلفی از کشورهای مختلف مشاهده کرده‌ام. به نظر مقوله وقف در چند کشور اسلامی به بهترین شکل ممکن پیگیری شده که یکی از آن‌ها کشور کویت است. در این کشور دو سازمان اوقاف وجود دارد و به صورت علمی در زمینه وقف کار می‌کنند. از کشورهای اسلامی دیگر که در این موضوع خوب کار کرده‌اند می‌توان به مالزی، مصر و ترکیه اشاره کرد. البته این قضاوت بنده از روی مقالات و کتاب‌هایی است که مشاهده کرده‌ام نه آنکه بر اساس تجربیات و مشاهدات عینی باشد.

در دهه ۶۰ خورشیدی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با ادغام حوزه آموزش پزشکی و خدمات سلامت تشکیل شد. در بند ۱۰ قانون تشکیل وزارتخانه آمده بود که باید سازمان، موسسه یا بنیادی در این مجموعه برای تسهیل و نظارت بر کار خیریه‌های مرتبط با سلامت تشکیل شود. با گذشت ۳۰ سال از آن قانون، چنین نهادهای تشکیل نشد تا در دولت یازدهم حوزه قائم‌مقام وزیر بهداشت در امور مشارکت‌های اجتماعی ایجاد و مسئولیت آن به دکتر سید محمدهادی ایازی سپرده شد. شاید برخی این اقدام را حرکتی روبه‌جلو برای سامان‌دهی خیریه‌ها و سمن‌های حوزه سلامت بدانند؛ اما همچنان نقد نبود تمرکز در هدایت تشکلهای مردمی از جانب حاکمیت و تعدد مراکز ناظر در این حوزه، بر این تصمیم وارد است. معاون اجتماعی وزرات بهداشت در این خصوص به پرسش‌های ما پاسخ می‌دهد.

جایگاه وزارت بهداشت در حوزه خیر چیست و به نظر شما خیریه‌ها و سمن‌های حوزه سلامت زیر نظر کدام نهاد باید باشند؟

دو موضوع امنیت و سلامت موضوعاتی است که دولت باید به آن توجه خاص داشته باشد. گذشته از توجه دولت، خود مردم هم از منظر اینکه هم به فکر سلامتی خودشان و اعضای خانواده شان هستند و هم به فکر سلامتی هم‌وطنانشان، نیاز به مشارکت گسترده مردم در این حوزه دارد. حالا ممکن است مشارکت در توسعه زیرساخت‌ها باشد که ما از آن به عنوان عمل خیرخواهانه یاد می‌کنیم، نظیر بیمارستان، تهیه تجهیزات و کمک در حوزه‌های مختلف و... که از گذشته مردم همیشه در این قسم موضوعات همراه بوده‌اند و مشارکت خوبی داشته‌اند. ما از دهه‌های قبل، یعنی ۶۰، ۷۰ سال پیش، در هر شهری ردپای نیکوکاران را مشاهده کرده‌ایم. مردم خیریه‌های متعددی را ایجاد کرده‌اند و ساخت و سازهای زیادی خوشبختانه در این بخش انجام داده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که قانون ۱۳۶۴ وزارت بهداشت تأکید کرده است وزارت بهداشت مکلف است که سازمان، موسسه و یا بنیادی را برای تأثیر در کار خیر و همچنین نظارت بر خیریه‌ها ایجاد کند. متأسفانه با اینکه سه دهه گذشته بود، ولی بند ۱۰ مصوبه وزارت بهداشت عملاً اجرا نشده بود. به همین سبب در دولت یازدهم، با وجود دکتر هاشمی، به فکر افتاده شد، سازمان‌دهی جدیدی در موضوع اقدامات خیرخواهانه مردم انجام دهیم و نهادی در مجموعه وزارت بهداشت با عنوان نهاد متولی شکل گیرد که ارتباط با خیران و خیریه‌ها را برقرار کند. این نهاد با این قصد به وجود آمد که هم بتواند اقدامات خیرخواهانه آن‌ها و سازوکارشان را فراهم کند و هم بر خیریه‌ها نظارت کند. به



ما مدیران نظام سلامت می‌گوییم: حداکثر ۲۵ درصد در سلامت مردم نقش داریم، ۷۵ درصد یا دست مردم است و یا در اختیار نهادهای دیگر. خیلی مهم است که این بخش را فعال کنیم، و البته بر رویکرد اجتماعی شدن سلامت اثرگذار است.

گفت‌وگو با سید محمدهادی ایازی
معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
در امور مشارکت‌های اجتماعی

گفت‌وگو: فاطمه یوسفی

بیت‌درا



همین سبب معاونت اجتماعی وزارت بهداشت ایجاد شد و ذیل معاونت اجتماعی اداره کل خیرین و خیریه‌های سلامت پدید آمد که بتواند این کار را دنبال کند. بنابراین می‌توانیم بگوییم وزارت بهداشت به دلیل اهمیتی که برای خیران و خیریه‌ها قائل بود، ساختار مناسبی برای انجام این کارپیش‌بینی کرده است که امیدواریم روزه‌روز فعالیت این حوزه گسترش پیدا کند و شاهد مشارکت گسترده‌تر مردم در این حوزه باشیم.

و باید زیر نظر کدام نهاد باشند؟

خیریه‌ها و سمن‌ها نهادهای مردمی هستند. اینکه زیر نظر جای خاصی باشند قاعدتاً زیاد موضوعیت ندارد. ولی باید مرتبط با معاونت اجتماعی باشند که معاونت اجتماعی بتواند حمایت‌های لازم را از توصیه اقدامات خیرخواهانه آن‌ها انجام دهد. احیاناً در مجموعه‌های مختلف نیاز به حمایت بیشتری دارند و ما بتوانیم نقش حمایتی از آن‌ها داشته باشیم. ضمن اینکه ما نیازهای سلامت را به آن‌ها منعکس کنیم و در چارچوب نیازهایی که وجود دارد آن‌ها هم اقدامات خیرخواهانه خودشان را انجام دهند.

چالش‌های نیکوکاری در حوزه سلامت چیست و خیریه‌ها و سمن‌های این حوزه با چه

موانعی روبه‌رو هستند؟

مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌توانیم از آن یاد کنیم این است که مردم در اقدامات خیرخواهانه حیطه بهداشت عمدتاً سمت حوزه درمان می‌روند، مانند ساخت بیمارستان، درمانگاه و... در حالی که اگر بخواهیم تقسیم‌بندی کنیم، شاید اولویت‌های ما به ترتیب در حوزه فعالیت‌های پژوهشی (تولید واکسن)، حوزه بهداشت، حوزه فعالیت‌های آموزشی و دانشجویی و بعد حوزه درمان است؛ چرا؟ به سبب اینکه ما قائل برای هستیم، آن چند اقدام اولیه در حوزه پیشگیری است و ما پیشگیری را مقدم بر درمان می‌دانیم. اما مردم به واسطه نیازی که بیماران دارند، عمدتاً اقدامات خیرخواهانه‌شان را در حوزه درمان سوق می‌دهند که اگر ما بتوانیم سازوکاری را مهیا کنیم که مردم در آن چند موضوع اولی بیشتر حضور داشته باشند، خیلی مناسب خواهد بود.

و به نظرتان موانع روبه‌رو چیست؟

در گذشته این‌ها احساس می‌کردند وزارت بهداشت حمایت‌های لازم را از توصیه فعالیت‌های آن‌ها به عمل نمی‌آورد. خوشبختانه الآن این مشکل حل شده و ما ارتباط بسیار خوبی را هم با سازمان مردم‌نهاد سلامت و هم با خیریه‌های سلامت داریم.

مردم در اقدامات خیرخواهانه
حیطه بهداشت عمدتاً سمت
بیمارستان و... می‌روند، مانند ساخت
شاید اولویت‌ها به ترتیب،
فعالیت‌های پژوهشی، بهداشت
فعالیت‌های آموزشی و دانشجویی
و بعد حوزه درمان است.

این ارتباط گسترده ما خیلی از مسائل و مشکلات آن‌ها را برطرف می‌کند، عملاً سمن‌ها و خیریه‌ها مشکل خاصی را در این حوزه ندارند. به سبب ساختار و ارتباطی که ایجاد شده است و از این منظر با مشکلات جدی روبه‌رو نیستیم.

ضرورت تشکیل معاونت اجتماعی چه بود و دلیل اینکه دو اداره کل خیریه‌ها و سمن‌ها جدا از یکدیگر هستند چیست؟
ما معاونت اجتماعی را مبتنی بر رویکرد اجتماعی و سلامت شکل دادیم و این اجتماعی و سلامتی که می‌گوییم یکی بر مبنای مشارکت مردم، همکاری‌های بین بخشی،

ارتقا سواد سلامت مردم، عدالت در سلامت و توجه به کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. این‌ها دلایلی است که معاونت اجتماعی شکل گرفت. در درون معاونت اجتماعی نیز به موضوعاتی مانند خیریه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، راه‌اندازی کانون‌های سلامت، حمایت و راه‌اندازی از گروه‌های داوطلب و جهادی که در سطح کشور خواستار فعالیت هستند، می‌پردازیم. همچنین مسائل مربوط به فرهنگ سلامت که موضوع بسیار مهمی است نیز از موضوعاتی بود که به آن پرداختیم. در خصوص اینکه چرا اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها را ایجاد کردیم، به سبب اهمیتی است که این دو حوزه داشته‌اند. البته در آینده به دلیل اینکه ساماندهی جدیدی در مجموعه معاونت ایجاد می‌شود، این دو اداره را باهم ادغام می‌کنیم؛ ولی در شروع راه‌اندازی ضرورت داشت این کار انجام شود و در پیشبرد کار خیلی مؤثر بود.

یکی از نقدهایی که به نقش حاکمیت در مدیریت امر خیر وارد است، نبود تمرکز در مجوزدهی و نظارت است و همچنین نهاد‌های مختلفی که در این حوزه فعال‌اند. شما وضعیت فعلی را چطور ارزیابی می‌کنید و به نظرتان وضعیت مطلوب چیست؟

در حال حاضر بر اساس مصوبه هیئت وزیران در سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها مرجع صدور مجوز وزارت کشور شناخته شده است و وزارت کشور از دستگاه‌های تخصصی مربوط استعلام می‌کند؛ برای مثال در حوزه سلامت از وزارت بهداشت استعلام می‌کند. خوشبختانه سرعت کار خوب بود، البته طی چند ماه اخیر سرعت کار کمی کندتر شده است. ولی با توجه به اینکه مشکلات را به وزارت کشور منتقل کردیم، امید است اقدامات لازم را انجام دهند تا شاهد صدور مجوز در زمان محدودتری باشیم.





بیشتر خیریه‌ها و سمن‌های حیطه سلامت در بخش درمان فعالیت می‌کنند، آیا سیاست و برنامه خاصی دارید که این مجموعه‌ها را به سمت پیشگیری هدایت کنید؟

طی مذاکراتی که با خیران انجام شده است، امید است فعالیت‌ها به سمت پیشگیری، یعنی آموزش، تولید و پژوهش، بیشتر سوق داده شود و در آینده هم با سازوکارهایی که پیش‌بینی کردیم، حتماً سمت وسوی نیکوکاران به سوی پیشگیری خواهد رفت. البته در این موضوع ورود کردیم مثل زلزله غرب کشور که نیکوکاران مراکز بهداشتی را ساختند و در خیلی از شهرها ساخت خوابگاه دانشجویان نیز با خیران بوده است.

برنامه‌ها و سیاست‌های وزارتخانه برای جلب مشارکت‌های مردمی و کمک‌های خیریه‌ای چیست؟

کاری که مدنظرمان بوده است این بود که نیازهایمان را در سطح دانشگاه‌ها به مردم اعلام کردیم و مردم بر مبنای نیازی که اعلام شده، اقدامات خیرخواهانه خودشان را انجام می‌دهند. در همین ارتباط برای ۵۸۰ بیمارستان دولتی که داریم خیریه پشتیبانی بیمارستان راه‌اندازی کردیم. این خیریه‌ها نیازهای بیمارستان‌ها را شناسایی می‌کنند و با تعاملی که با افرادی که شرایط مالی مناسبی دارند ایجاد می‌کنند، نیاز بیمارستان‌ها را مرتفع می‌کنند. راه‌اندازی خیریه‌های پشتیبانی بیمارستان‌ها در جذب مشارکت مردم خیلی تأثیرگذار است و بخش عمده‌ای از نیازهایشان را برطرف می‌کند. به دنبال این هستیم سازمان‌دهی جدیدی برای اقدامات خیرخواهانه در حوزه بهداشت نیز انجام دهیم. امیدواریم با راه‌اندازی این مجموعه شاهد مشارکت گسترده‌تر مردم در حوزه بهداشت هم باشیم. البته ۷۰ الی ۸۰ درصد این کار انجام شده است و چند درصد باقی‌مانده هم حتماً در همین دولت انجام می‌دهیم. در سال گذشته غریب ۱۷۰۰ میلیارد تومان کمک‌های مردمی داشتیم.

سال ۱۳۹۵ حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان کمک‌های مردمی داشتیم.

حدود ۷۲۳ سازمان مردم‌نهاد در حوزه سلامت فعال‌اند و حدود ۸۹۰ خیریه سلامت داریم.

حدود ۵۸۰ خیریه پشتیبان بیمارستان پیش‌بینی کردیم که راه‌اندازی کنیم.

۲۴۳ گروه داوطلب جهادی مختلف در نقاط کشور داریم.

در حوزه مشارکت مردمی ۱۴۰۰ الی ۱۴۱۰ کانون سلامت در سراسر کشور راه‌اندازی شده است. همه این‌ها نشان‌دهنده این است که اهتمام جدی در سطح دانشگاه‌ها وجود دارد و از مشارکت مردم بهره‌مند می‌شویم و اقدامات خیرخواهانه توسعه خواهد یافت.

این اقدامات بر مینا و ارزیابی خاصی صورت می‌گیرد که در کدام مناطق انجام شود؟

بله، مشارکت مردم بیشتر در استان‌های برخوردار است (مشهد، کرمان، تبریز و...) شهرهایی که برخوردارند مشارکت مردم بیشتر است. گروه‌های داوطلب جهادی را عمدتاً در مناطق محروم می‌فرستیم. برخی از مردم هم اقدامات خودشان را در مناطق محروم می‌برند، ما هم اولویت‌مان مناطق محروم است. ولی بعضی از خیرین کمک‌هایشان را در شهری انجام می‌دهند که در آن سکونت داشته‌اند و یا در آن متولد شده‌اند.

برنامه وزارتخانه برای استفاده از ظرفیت فعالیت‌های داوطلبانه در ارتقا سلامت جامعه چیست؟

راه‌اندازی کانون‌های سلامت برای اینکه مردم در حوزه سلامت مشارکت کنند و حمایت از گروه‌های داوطلب جهادی مختلف و متخصص تا در مناطق محروم حضور یابند.

محوری و شاخص‌ترین کارهای صورت گرفته در این حوزه‌ها چیست؟

سه کار عمده به اعتقاد من که در این دوره انجام شده است. این کارها عبارت‌اند از: ۱. اجرای طرح تحول سلامت؛

۲. توسعه زیرساخت‌های سلامت (۲۵ هزار تخت بیمارستانی جدید ساخته شد، ۴۵ هزار تخت بیمارستانی مرمت و بازسازی شد، بالغ بر ۷ هزار مرکز درمانی بهداشتی در کشور ساخته شد و آماده بهره‌برداری قرار گرفت)؛

۳. اجتماعی شدن سلامت، یعنی مردم جدی‌تر در برنامه‌های مربوط به سلامت مشارکت کردند.

این سه کار جدی و محوری‌ای بود که صورت گرفت، البته خاطر نشان کنم فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و... خوبی هم انجام شده است که شاخص بوده‌اند. استمرار اجرای طرح تحول سلامت به اعتقاد یکی از نقاط کلیدی است که باید حتماً به آن توجه کرد. اقدامات پیشگیرانه خوبی صورت گرفته است؛ ولی تأکید ما این است که این دامنه باید گسترش بیشتری پیدا کند. در حوزه اجتماعی شدن سلامت تأکید شده کارهای بیشتر و بهتری انجام شود.

باید زمینه‌های مشارکت مردم را جدی‌تر فراهم کنیم، از ظرفیت سازمان و نهادهای مختلف بیشتر استفاده شود. چون ما مدیران نظام سلامت می‌گوییم: «حداکثر ۲۵ درصد در سلامت مردم نقش داریم، ۷۵ درصد خارج از مدیریت نظام سلامت است»، یا دست مردم و یا در اختیار نهادهای دیگر است. این ۷۵ درصد را خیلی مهم است که فعال کنیم، البته که برویکرد اجتماعی شدن سلامت اثرگذار است.